

## مقدمه مؤلف

خاطرات امپراتوران و سیاستمداران اروپایی در قرن‌های نوزدهم و بیستم از منابع مهم تحقیقات تاریخی به شمار می‌آیند و پژوهشگران علاقه‌مند به این دوره برای آگاهی از وضعیت سیاسی این دو قرن ناچار از مراجعه به این منابع دست اول می‌باشند. در این میان می‌توان به خاطرات ناپلئون بناپارت، ملکه ویکتوریا، وبلهلم دوم (امپراتور آلمان)، بیسمارک (صدراعظم آلمان)، وینستن چرچیل (نخست‌وزیر بریتانیا در جنگ جهانی دوم)، شارل دوگل (رئیس‌جمهور فرانسه) و امثال آنها اشاره کرد. بدیهی است که حداقل فایده مطالب مندرج در این‌گونه خاطرات، آگاهی پژوهشگر و سایر مطالعه‌کنندگان از نظرات آن امپراتور یا رئیس‌جمهور و سیاستمداری است که زمانی حاکم بر مقدرات کشورش بوده است.<sup>۱</sup> زیرا وقایع وقتی نوشته می‌شوند، اطلاعاتی را در اختیار آیندگان قرار می‌دهند که آنها را به رویدادهای آن عصر راهنمایی می‌کنند و به خواننده دریافت تاریخی می‌بخشند.

چنین به نظر می‌رسد که نوشتن خاطرات روزانه در بین پادشاهان ایران، از زمان

---

۱. رک: شیخ‌الاسلامی، جواد. «شیوه کاربرد اسناد و مدارک در پژوهش‌های سیاسی و تاریخی»، آینده، سال نهم (۱۳۶۲). شماره ۷. صص ۴۸۹ تا ۵۰۴.

ناصرالدین شاه آغاز شده و اگر هم پیش از او کسی از شاهان دست به این کار زده، هیچ مدرکی از خود باقی نگذاشته یا مکتوم مانده است.

ناصرالدین شاه سه بار به اروپا سفر کرد: در سال‌های ۱۲۹۰، ۱۲۹۵ و ۱۳۰۶ هـ. ق که متن دست‌نوشته آنها توسط نگارنده تصحیح و در پنج جلد از سوی انتشارات سازمان اسناد ملی ایران (سابق) در سال‌های ۱۳۶۹، ۱۳۷۱، ۱۳۷۳، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۹ تقدیم علاقه‌مندان شد.<sup>۱</sup> البته پیش از آن و در زمان خود او این سفرنامه‌ها چاپ سنگی شد و در سال‌های بعد از روی همان نسخه‌ها مجدداً به چاپ رسید که چون در زمان خود او بوده دارای سانسور و اشکالاتی است که نگارنده تفاوت آنها را در مقدمه سفر اول کاملاً شرح داده است.<sup>۲</sup> علاوه بر سفرنامه‌های فرنگ، سفرنامه‌های خراسان (دو سفر و دو سفرنامه)، مازندران، گیلان، عراق عجم و... توسط محققان گرانمایه تصحیح و منتشر شده است.<sup>۳</sup> خاطرات سفرهای او به قم<sup>۴</sup> (هفت سفر) و خاطرات سفر ناتمام گیلان<sup>۵</sup> را نیز نگارنده در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به جامعه تاریخ عرضه کرد.

اما نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که برخلاف آنچه گفته شده، ناصرالدین شاه تنها سفرنامه ننوشته، بلکه خاطرات روزانه خود را هنگام شکار و گردش در بیابان‌ها و شکارگاه‌های اطراف تهران نیز به رشته تحریر درآورده است. همچنین هنگامی که در تهران به سر می‌برد، اگر واقعه‌ای به نظرش جالب بود، درج آن را مغتنم می‌شمرد. ولی متأسفانه این شاه مغرور در این خاطرات، سفرنامه‌ها و شکارنامه‌ها به شرح و بسط مطالبی پرداخته است که جز در موارد معدودی، نیاز مورخان و محققان تاریخ را برطرف نمی‌کند. در عین حال تصور نگارنده این است که برای آگاهی طبقه جوان و نوجوان که رغبتی به مطالعه کتب قدیمی ندارند، می‌توان مطالب بسیار جالب و خواندنی را از لابه‌لای این دست‌نوشته‌های شاهانه استخراج و از آنها فیلم تهیه کرد. به‌طور مثال، ناصرالدین شاه در بخشی از خاطرات خود چنان با دقت به شرح عروسی پسرش کامران میرزا نایب‌السلطنه پرداخته<sup>۶</sup> و درباره

۱. سفر سوم ناصرالدین شاه با همکاری شادروان دکتر محمداسماعیل رضوانی تدوین یافت.  
 ۲. رک: روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان. به کوشش فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۷.  
 ۳. رک: ایرج افشار، «نگاهی به سفرنامه‌نویسی ناصرالدین‌شاه»، آینده، سال نهم (دی و بهمن ۱۳۶۲)، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۷۵۷ تا ۷۶۹.  
 ۴. رک: قاضیها، فاطمه. سفرهای ناصرالدین شاه به قم. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۴.  
 ۵. رک: قاضیها، فاطمه. «خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر ناتمام گیلان» (نامواره دکتر محمود افشار)، پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱۳۸۲، جلد ۱۴، پیوست ۲، صص ۶۶۹ تا ۶۹۹.  
 ۶. رک: قاضیها، فاطمه. «جشن عروسی کامران میرزا نایب‌السلطنه به روایت ناصرالدین‌شاه»، گنجینه اسناد، شماره ۴۹ و ۵۰.

برپایی این جشن بزرگ قلم فرسایی کرده که بر خواننده بعد از مدتی فرض می‌شود که در آن مراسم شرکت کرده است. مراسمی که از نگاه پدر داماد و شاه کشور به طور مستقیم روایت می‌شود به روال معمول آثار به‌جای‌مانده از آن زمان، از نگاه يك جهانگرد و سیاح غربی نیست و به همین دلیل دارای ارزش فرهنگی سنتی ویژه‌ای است، زیرا هیچ‌کس دیگر مثل شخص ناصرالدین‌شاه این مراسم را توصیف نکرده است و از این راه می‌توان علاقه‌مندان به تاریخ اجتماعی را از آداب و سنن درباری آن زمان آگاه کرد.

حُسن بزرگ ناصرالدین‌شاه، یعنی فردی که پنجاه سال حاکم بر سرنوشت این مُلک و ملت آن بوده، همین خاطراتی است که از خود به جای گذاشته. او هر زمان که مراسم جشن و سرور یا عزاداری و روضه‌خوانی و هر نوع تجمع دیگری برقرار می‌شده، همه را با دقت توصیف کرده و برای ما به یادگار گذاشته است. مثلاً همه‌ساله آخر تابستان و هنگام بازگشت از بیلاق در شهرستانک یا سرخ حصار و... جشن آس‌یزانی برپا می‌کرد و هر سال سطوری در مورد این جشن می‌نگاشت که توسط نگارنده تدوین شده و به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup>

به هر روی هدف از تهیه و تدوین کتاب حاضر که حاوی خاطرات شکارهای ناصرالدین‌شاه در سال‌های ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۱ ه.ق است، در وهله اول آشنایی با خلق و خو و روحیات دیکتاتوری است که پنجاه سال بر این کشور حکومت کرده؛ پنجاه‌ساله‌ای که کشورهای اروپایی، ژاپن و... در گشودن دروازه‌های علم و تمدن پیشتاز بودند. دیگر اینکه اسناد، به‌ویژه زمانی که دستخط رئیس مملکت باشد، از منابع بسیار مهم و رکن اساسی تحقیقات تاریخی تلقی می‌شوند، زیرا آرشیویست نمی‌تواند بگوید چه سندی اهمیت دارد یا ندارد، بلکه این محققان رشته‌های مختلف هستند که ارزش یک سند را تعیین می‌کنند. به طور مثال، سندی که ارزش تاریخی نداشته باشد، شاید ارزش هنری یا اجتماعی و فرهنگی داشته باشد.

مطابق بررسی‌های صورت‌گرفته، پیش از اینکه ناصرالدین‌شاه شکارنامه بنویسد، گویا ملک‌شاه سلجوقی شکارنامه‌ای داشته است. چنانکه اغلب مورخان در زندگینامه او (۴۸۵ - ۴۶۵ ه.ق) یادآور شده‌اند، وی مردی شکارپاره بود و در نقاطی از قلمرو پهن‌اور فرمانروایی خویش، بناهایی از سُم شکارهای خویش ساخته بود. اگر کتاب شکارنامه او که ابوطاهر

۱. قاضیا، فاطمه، مراسم دربار ناصری «جشن آس‌یزان». تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۲.

خاتونی<sup>۱</sup>، ادیب برجسته عصر وی، تألیف کرده، امروز باقی بود، چه بسا اطلاعات بسیار دقیق تری از آداب و رسوم مربوط به ساختن این گونه بناهای یادبود را در آن می‌توانستیم بیابیم. بنا به اشاره راوندی، محتویات این کتاب که توصیف شکارهای سلطان و اعمال وی در آن ایام و غیره بود، احتمالاً اثری پُرارزش برای بررسی شخصیت ملکشاه به شمار می‌رفت.<sup>۲</sup> بنابراین، شکارنامه ناصرالدین شاه می‌تواند به عنوان اثری تدوین شود که نبود آن برای آیندگان مایه تحسرنشود.

در مورد نوشته‌های ناصرالدین شاه در کتاب حاضر آنچه بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند آن است که برای آشنایی با جغرافیای تاریخی و زیست‌محیطی اطلاعات بسیار ارزنده‌ای به دست می‌دهد؛ از هر جا گذر کرده، از دشت و باغ، دره و کوه و آبادی، امامزاده و روستاهای کوچک و غیره همه را به بهترین وجه توصیف کرده و لباس و چهره و طرز سخن گفتن افرادی را که دیده، به خوبی وصف نموده است. همچنین آشنایی با انواع پرندهای شکاری و پستاندارانی که در آن زمان در زیستگاه‌ها به سر می‌بردند و شاید توسط وی و همراهانش شکار شده‌اند و احتمالاً امروزه نسلشان منقرض شده است، از دیگر مطالب بارز در این مجموعه به شمار می‌رود. بنابراین، کتاب مذکور برای محققان جغرافیا و محیط زیست نیز اثری نادر و ارزشمند محسوب می‌شود.

شایان ذکر است که این کتاب، قدیمی‌ترین خاطراتی است که از ناصرالدین شاه منتشر می‌شود. شروع کتاب مربوط به زمانی است که سی و دوساله بوده و در پانزدهمین سال سلطنتش به سر می‌برده است. در این تاریخ، کشور صدراعظم نداشت و به جای آن دارالشورای کبرای دولتی به ریاست میرزا جعفر خان مشیرالدوله تصمیم‌گیری می‌کرد (نهادی

۱. موفق‌الدین ابوطاهر از دانشمندان شیعی دوران سلجوقی است. این دانشمند در نظم و نثر فارسی و تازی استاد و از دبیران نامور ملکشاه سلجوقی بود و چون بسیار مورد وثوق ملکشاه بود، به سمت منشی و مستوفی دیوان گوهرخاتون، همسر فاضل و خیر ملکشاه منصوب و از این رهگذر به «خاتونی» ملقب شد. وی تا زمان مسعود بن محمد سلجوقی حیات داشته است. این دانشمند شهیر در ادب فارسی آثاری گرانقدر داشته که متأسفانه در حال حاضر تنها یک اثر از او به دست ما رسیده است. نوشته‌اند که تذکره‌الشعرا بی در شرح حال و احوال شعرای ایران تا زمان خود نوشته بوده که مناقب الشعرا نام داشته و باید گفت آن نخستین تذکره‌الشعرای فارسی است. تنها اثری که اکنون از او موجود است، تزویر الوزیر نام دارد که به زبان تازی است و در طعن و لعن نصیرالملک بن مؤیدالملک وزیر نوشته است و الحق در تحریر آن استادی و هنر نشان داده و در فصاحت و بلاغت کم نظیر است. نثری است مسجع و مقفا و مقطع. خاتونی کتابخانه‌ای بس معظم در جوار مسجد جامع ساوه بنا کرد و این کتابخانه به نام او شهرت داشت و تا هجوم و تسخیر ساوه به دست مغولان به سال ۶۱۷ دایر بود و یکی از مراجع مهم شیعی محسوب می‌شد. مغولان این کتابخانه نفیس و گران قدر را بسوختند و نابود ساختند. ر.ک: همایونفرخ، رکن‌الدین. «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران»، هنر و مردم، دوره ۴ تا ۷، ش ۵۳ و ۵۴ (اسفند ۴۵ و فروردین ۴۶)، صص ۱۵ تا ۲۰.

<http://www.ichodoc.ir/p-a/changed/53/html/53-15.html>

۲. ر.ک: فیضی، کریم. شیعی کدکی و هزاران سال انسان. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۸، صص ۹۴۴۲.

<http://samtacir.blogfa.com/po5>

شبیبه هیات دولت امروزی)، زیرا پس از عزل میرزا آقاخان نوری از صدارت در سال ۱۲۷۵، ناصرالدین شاه تا سال مرگ او، یعنی ۱۲۸۱، کسی را برای صدراعظمی برنگزید، تا اینکه در این سال میرزا محمدخان سپهسالار را به صدارت منصوب کرد.

در کتاب حاضر علاوه بر مقدمه ای که اکنون می خوانید، بخشی نیز به «تاریخچه شکارهای شاهانه در ایران» اختصاص یافته است. انجام این کار را نگارنده از آنرو لازم شمرد که خواننده و پژوهشگر پیش از هر قضاوتی درباره ناصرالدین شاه و عملکرد او در مورد شکار، سنت پادشاهان قبل از او را هر چند به اجمال مطالعه کند. متن اصلی کتاب حاوی متن تصحیح شده دستخط ناصرالدین شاه است که از تاریخ ۱۴ محرم ۱۲۷۹ شروع می شود و این شروع مطابق نوشته خود شاه، با عزیمت از سلطنت آباد به عزم بیلاق شهرستانک از راه کوه البرز مقارن است و به قول خودش به تفصیل به شکارهایی که شده و سایر مواردی که پیش آمده می پردازد.

خاطرات ناصرالدین شاه در این کتاب عبارت است از: شرح ماجراهای شکار و تفریح و گشت و گذار در شهرستانک، دونا، کجور و کنار دریا، بلده، کن، جاجرود، دوشان تپه، گلندوک (یا به قول خودش گلهندونک)، شکرآب، کلاردشت، مسیله و گاه تهران یا به قول خودش دارالخلافة که آمد و شد ناصرالدین شاه طی سه سالی که مربوط به این کتاب است، در مناطق فوق تکرار می شود.

اصل اسناد (دست نوشته های ناصرالدین شاه) با مجموعه اسنادی دیگر در سال ۱۳۶۲ از کاخ گلستان که در آن زمان وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی وقت بود، به سازمان اسناد ملی ایران (سابق) منتقل شد و بدون شک نسخه مؤلف، اصل دستخط ناصرالدین شاه است.

بدیهی است مطالعه کنندگان انتظار دارند که ناصرالدین شاه هنگام نگارش، از امور سیاسی و وقایع مهم کشوری سخنی به میان آورده یا نظری داده باشد، ولی متأسفانه چنین نیست؛ او که عاشق طبیعت و شکار و تفریح بود، به جای پرداختن به مسائل جدی حکومتی، به تشریح سبزه زاران، پرندگان، وحوش و سایر حیوانات شکاری و همچنین وصف اطرافیان و همراهانش که پیوسته با آنها در حال مزاح و شوخی و خوش گذرانی بود پرداخته و اسامی آنها را پشت سر هم با لقب و بی لقب ردیف کرده و تحت عنوان اهالی حرم، غلام بچه ها، پیشخدمت ها، کنیزها و غیره به تناوب اسامی را قید نموده و به علاوه تأکید کرده است که

چه کسانی بودند و چه کسانی نبودند یا کدام زن یا مرد با دیگری مرافعه کرده، چه خوردم و چه نوشیدم، چه وقت خندیدم و چه وقت کسل شدم و غیره. گاهی اطرافیان او رذالت‌هایی مرتکب می‌شدند که قلم از نوشتن آن شرم دارد، ولی ناصرالدین شاه با کمال صراحت آنها را نوشته است بدون آنکه نسبت به آن اشخاص خشمگین باشد. در این خصوص درج مطلب ذیل بجاست:

... ناصرالدین شاه چندی به فکر مبارزه با فساد افتاد، اما مقصودش شوخی و تفریح بود، نه واقعیت، بدین معنی که یکی از اجزای خلوت پادشاهی را گفت: چون تو با مطرب‌های شهر و مردم هرزه‌گرد و هر جایی مأنوسی هر هفته روزنامه مشروح از همه‌کس و همه‌جا تحصیل کن و مخفیانه به من برسان. این مرد گزارشی مفصل داد، ولی روز بعد ناصرالدین شاه او را خواست و گفت که مقصود من این چیزهای متفرقه که مایه پریشانی حواس است نبود، بلکه خواستم از اتفاقات بامزه شهری و اینکه کدام زن را به کدام مجلس بردند و در هتل‌ها چه منازعات شد و از خبرهایی که نشاط خاطر دارد بنویسی که معرفتی به حال اشخاص پیدا شود.<sup>۱</sup>

همچنین مرحوم جمالزاده در مقاله خود چنین نقل می‌کند:

... دربارہ رسالہ‌ای خطی بہ نام فجوریہ کہ توسط یکی از خلوتیان ناصرالدین شاه کہ در کتاب خود را «والی»<sup>۲</sup> معرفی نموده، مؤلف نامحترم کہ ظاہراً مرد بی‌فضل و سواد ہی هم نبوده و خط و ربطی داشته است، شرح فجایع اعمال و ہرزگی‌های بی‌شمار خود را با بی‌شرمی و وقاحت ہرچہ تمام‌تر و با عباراتی زشت و مستہجن کہ گاهی نفرت‌انگیز است و گاهی نیز بہ ندرت ابیات مناسب و مضامین ملیح از قباحت و کراہت آن اندکی می‌کاهد و روی ہم‌رفته بہ صورتی کہ البتہ مطبوع طبع اعلیٰ حضرت... تاریخ تحریر کتاب، ماہ صفر ۱۲۸۹ است و نامہ‌ای از مؤلف بہ ناصرالدین شاه بدان الحاق یافته است کہ شاید نقل آن خالی از فایدت نباشد: «قربان خاک پای جواہر آسای مبارکت شوم، سال گذشتہ حسب الامر کتابی تألیف و از نظر رحمت اثر خسروانہ گذشت [ای کاش این کتاب ہم بہ دست می‌آمد]، امروز حکم ہمایون روحانفادہ بہ تألیف کتابی مختصر مقرر شد، لہذا این رسالہ

۱. رک: باستانی یاریزی، ابراہیم، خاتون ہفت قلعہ، تہران، روزبہان، چاپ سوم، ۱۳۶۳، ص ۸۳، بہ نقل از: خاطرات سیاسی امین الدولہ.  
۲. رسالہ فجوریہ از والی بن سہراب گرجستانی، بہ اہتمام دکتر علی‌خان در شش بخش و شش قسمت.

را که از ابتدا تا انتها همه لاطایلات و مزخرفات است معروض خاک پای مبارک شد. الخ...»

ضمناً باید دانست که در خلال اوراق رساله فجوریه که حکم غارهای جهنم را دارد، گاهی مطالبی به چشم می‌خورد که حاکی از اوضاع آن زمان مملکت ماست.<sup>۱</sup>

در کتاب حاضر نیز بعضی مطالب راجع به هرزگی‌های آن زمان و دربار وجود دارد که خواننده گرامی طی مطالعه کتاب به آنها برخورد خواهد کرد. به هر حال بدون تردید ناصرالدین شاه دارای شخصیتی عیاش و زنباره و شکارباره و... بوده است، برای نمونه در همین کتاب در خاطرات روز دوشنبه ۲۴ شعبان ۱۲۸۱ خود نقل می‌کند:

...امروز، معصومه و فرنگی و کُردکوچکه را، هر سه را، صیغه خواهند کرد و به دوشان تپه می‌آورند. (ص ۳۲۶)

همین‌طور در خاطرات ۷ شعبان همان سال:

...خواننده‌ها همه از شهر آمده بودند، ملاکریم خواننده تازه، بسیار خوب می‌خواند، آقاجان سنتوری و پسرهایش بودند، شب را به صحبت و عیش گذشت. (ص ۳۱۵)

قبلاً هم توضیح داده شد که سرتاسر کتاب، شرح تفریحات و شکار و توصیف مناطق جغرافیایی و روستاها و طبیعت و آثار باستانی و غیره است، اما نباید از نظر دور داشت که در بعضی موارد به‌طور مختصر اشاره‌هایی به مسائل جدی و اساسی نیز کرده است که در ذیل چند عبارت منتخب به نظر مطالعه‌کنندگان گرامی خواهد رسید.

شهاب‌الملک گفت دیشب چاپار از اردو چهارروزه آمده است، فتح خوبی کرده‌اند. عرایض سپهسالار را در توجال از امین‌الملک گرفته اجمالاً خواندم. پانصد خانوار طایفه ایکد روماه یوخر و غیره یموت از طایفه چارواو که از اولاد ابابکر و عثمان غیرمرحوم هستند، در نزدیکی اترک مجتمع بودند. سپهسالار دوهزار سواره از شاهسون دویرن و شادلو با حیدرقلی خان قره‌پایاق و غیره و فرستاد ایلغار کرده‌اند، بی‌خبر رسیده جنگ سختی کرده، غالب آمده‌اند، سیصد نفر سر و اسیر و همه آن خانوار را قتل و غارت کرده، دوهزار شتر، سی‌هزار گوسفند و اموال زیادی الجه شده است. (ر.ک: خاطرات روز یکشنبه ۷ [جمادی‌الاول ۱۲۸۱]، ص ۲۹۴)

۱. ر.ک: جمالزاده، سیدمحمدعلی. «کتاب‌ها و رساله‌ها»، یغما، سال ۱۸ (مهر ۱۳۴۴)، صص ۳۸۲ تا ۳۸۶.

امروز اسرای یموت و شترها را [میرزا محمدخان] سپهسالار فرستاده بود، دم قنات سردار آوردند، دیدیم، با پنجاه نیزه سر... (ص ۳۰۰)  
 ...علی اتصال هم کاغذ از شهر می آید. خیلی کسل می کند. دبیر نوشته بود در اصفهان برای گرانی نان شورش زیادی شده است. خلاصه الی غروب کاغذ خواندیم. (ص ۲۰۰)

امروز به امین الدوله و غیره نوشتیم در باب حاجی علی خان که از منصب های خود عزل شده برود خانه اش بنشیند، به جهت اینکه دستخط اذن آمدن قم میرزا آقاخان به توسط او صادر شد. اما به علاوه خودش چیزهای غریب به میرزا آقاخان نوشته بود، مثلاً نوشته بود: زود زود بیا به قم، به قدر بیست روز دیگر تو را به تهران می آورم، دستخط صدراعظمی تو بغل من است. خلاصه از این نامربوطها زیاد نوشته بوده است، حواس مردم را مغشوش کرده بود. (ص ۲۸۵)

بعد کالسکه آمد، نشستیم، کاغذهای میرزا احسینعلی باب و غیره را در کالسکه می خواندم که از اسلامبول به بغداد نوشته بودند. (ص ۲۰۱)  
 الی سه ساعت به غروب مانده متصل کاغذ خوانده و به شهر و غیره کاغذ نوشتیم...  
 نصرت الدوله نوشته بود بابی زیاد سلطان آباد بود گرفتیم کشتیم... (ص ۱۹۵)  
 خبر فوت میرزا آقاخان امشب رسید، دیشب در قم مرده بوده است، خدا رحمت کند... (ص ۳۳۹)

چنین به نظر می رسد که ناصرالدین شاه به استخاره اعتقاد داشته و برای امور جزئی نیز استخاره می کرده، عبارت ذیل گویای این امر است:

حاجی میرزا علی را آوردند، استخاره شکار فردا را کرد، کوک داغ کوچک خوب آمد... (ص ۲۱۰)

و اما نگارش ناصرالدین شاه دارای اشکالاتی چند است که بعضی از آنها به طور نمونه ذکر می شود.

۱. در بسیاری از عبارات هنگامی که راجع به خودش می نویسد، افعال مورد نظر را گاهی به صورت جمع و گاهی به صورت مفرد می آورد که از زیبایی نثر می کاهد:  
 ...من تا از کالسکه در آمدیم.....رفتم تا مصطفی قلی خان رسیدیم...  
 ...ما هم از دور سر تاخت... گلوله انداختم...

...رفتیم، رفتیم... رفتیم، یک عدد قوچ بزرگ پیدا کردیم...

...خودمان رفتیم بالای سر قنات... ما هم رفتیم... ما باز برگشتیم...

۲. کلماتی نظیر خواندن، خوابیدن، خواستن، خواننده، برخاستم و نظایر آنها را به صورت خاندن، خابیدن، خاستن، خواننده و برخاستن نوشته است که به یکبار توضیح در پانویس بسنده شد.

۳. همچنین لغات بسیاری مانند حیاط، نهار، اتراق و بعضی دیگر را به صورت حیات، نهار و اطراق نوشته که یک بار در پانویس توضیح داده شده است.

۴. اسامی زن‌ها را هنگامی که به صورت فهرست ارائه داده یا صحبتی در مورد آنها کرده، به فارسی نوشته است، ولی وقتی قرار خلوت با آنها داشته به صورت لاتین نوشته بود و چون در بسیاری موارد غلط بود تصحیح شد. بعضی اسامی در سراسر متن به صورت مختلفی نوشته شده که نگارنده آنها را به همان شکل حفظ کرده است، مثل آقاگستیر، آقاگستیر، آقاگستر، قستیر.

۵. برای شناخت آبادی‌ها و روستاهای کوچک که نام آنها در هیچ فرهنگ جغرافیایی دیده نشد و خط ناصرالدین‌شاه نیز خوانا نبود و صراحت نداشت، حتی الامکان از اینترنت کمک گرفته شد و از سایت‌هایی که کوهنوردان جوان و عزیز کشورمان ایجاد و گزارش گشت‌های خود را هنگام عبور از گذرگاه‌ها درج کرده و به شرح آنها پرداخته بودند، استفاده شد. بنابراین، این عزیزان بدون آنکه بدانند، در تصحیح این متن همکاری کرده‌اند. به هر حال، بنا به قول استاد ایرج افشار:

اگر سبک و زبان نگارش ناصرالدین‌شاه را بخواهیم از فصاحت و هنر نویسندگی به دور بدانیم، باید همه نوشته‌های او را نمونه روشن ساده‌نویسی دانست و دور از انصاف نخواهد بود اگر بگوییم که طرز نگارش ساده او در نامه‌نویسی شاهانه به تدریج در روش منشیان وقت تأثیر مختصری کرده است.<sup>۱</sup>

بررسی این متن خاطر نشان می‌کند که شخصیت ناصرالدین‌شاه ویژگی‌های خاص خود را دارد؛ ویژگی‌هایی که از نحوه نگارش او تا حدی می‌توان به آنها پی برد. گاهی چنان رأفت و مهربانی در او ایجاد می‌شود که شکار مناسبی را که در دو قدمی اوست رها می‌کند برود و زمانی سنگدلی چنان بر او مستولی می‌شود که بدون هیچ سود و بهره‌ای، با شمشیر کمر گفتار

۱. رک: افشار، ایرج. «سفرنامه‌نویسی ناصرالدین‌شاه»، همان، ص ۷۵۸.

بیچاره را دونیم می‌کند و از فوران خون او شاد می‌شود، یا دستور می‌دهد که شکم پلنگ را در حضور او پاره کنند و دل و جگرش را نمایش دهند.

به هر حال این لحظات را او ثبت کرده و برای ما به یادگار گذاشته است که تحلیل و برداشت از آن از دیدگاه‌های گوناگون به عهده محققان و پژوهشگران رشته‌های مختلف است؛ از روان‌شناس تا کارشناس محیط زیست، مورخ، جغرافی‌دان، شکارچی و...

تصحیح دست‌نوشته‌های ناصرالدین شاه، از آنجا که در بسیاری از موارد ناخوانا و در بعضی موارد از لغات و اصطلاحات مهجور ۱۵۰ سال گذشته استفاده شده و بعضی عبارات ترکی مندرج در آن را حتی ترک‌زبان‌ها هم قادر به خواندن و معنی کردن آنها نبودند، نیاز به پیگیری و تلاشی مداوم داشت که نگارنده طی چند سال به افتخار اتمام آن نائل شد.

در این رابطه مشوق اصلی و راهنمای من دانشمند عالی‌قدر جناب استاد عبدالله انوار بودند که با کمال تواضع و فروتنی متن کتاب را مطالعه و اشکالاتی چند را گوشزد و مقدمه ای ارزشمند قلمی کردند. به این مناسبت احترام و ارادت قلبی خود را تقدیم ایشان می‌کنم و از خداوند بزرگ برای وجود پُربرکتشان سلامت و طول عمر خواستارم.

#### سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر علی‌اکبر اشعری ریاست محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و جناب آقای غلامحسین صفری معاون محترم سازمان و عضو شورای عالی انتشارات که با حُسن نیت و سعه صدر دستور مساعدت در امر چاپ این کتاب را صادر کردند، بسیار سپاسگزارم.

جناب آقای مسعود شریفی مدیر کل محترم کاخ گلستان با دستور همکاری مناسب، نگارنده را در دستیابی به عکس‌های ناصرالدین شاه مورد مرحمت قرار دادند که موجب کمال امتنان است.

همکاری صمیمانه محقق ارجمند جناب آقای صبح‌روان در بازخوانی عبارات و لغات آذری با نگارنده جای بسی قدر دانی و تشکر است.

پیوسته از الطاف سرکار خانم فرزام مدیر کل محترم اطلاع‌رسانی و همکارانشان هنگام مراجعه به اسناد برخوردار بوده‌ام، در این رابطه همکاری‌های صمیمانه سرکار خانم مژگان تاجیک تحسین‌برانگیز و مساعدت‌های سرکار خانم هما قاضی قابل تقدیر بوده است.

بخش نهایی، مرحله نشر است، که حسن توجه سرپرست اداره کل پژوهش و آموزش جناب آقای حبیب الله حبیبی فهیم موجب سپاس است. همچنین حضور فعال و مثبت جناب آقای مهندس علی محمد زنگنه سرپرست محترم انتشارات باعث تسهیل در نشر این کتاب شد، برایشان آرزوی موفقیت و بهروزی دارم.

در خاتمه لازم است متذکر شوم که گوشزد خطاهای احتمالی از طرف مطالعه‌کنندگان ارجمند جای بسی تقدیر و تشکر است. والسلام.

فاطمه قاضیها

پاییز ۱۳۸۹